

بررسی و تقویت عملکردی-کالبدی استخوان بندی شهر قزوین با تأکید بر عنصر راه و میدان در دوران معاصر*

تاریخ دریافت: ۸/۱۰/۸۹
تاریخ پذیرش نهایی: ۱۹/۲/۹۰

مهران علی‌الحسابی** - منا جباری***

چکیده

امروزه بحران‌های گوناگونی شهرهای ما را تهدید می‌نمایند و انسجام شهری در معرض اغتشاش و بی‌سامانی قرار گرفته است. وحدت و هویت شهری - که از مشخصه‌های ویژه شهرسازی کهن ماست - کم‌کم به بوتۀ فراموشی سپرده می‌شود. آشفتگی و عدم انسجام ساختار شهر با گسترش شبکه ارتباطی سواره و تسلط خودرو در شهرهای ما به حدی افزایش یافته که زندگی اجتماعی و آئین شهروندی بیش از گذشته در معرض خطر قرار گرفته و انسان‌مداری و مقیاس انسانی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. سواره‌ها و پیاده‌ها در کشمکش دائمی در تمامی عرصه‌های شهری درگیر شده‌اند. نیازهای جدید باعث تغییر ساختار شهرها شده و فرصت انطباق ساختار قدیم با عملکرد جاری از شهرها گرفته شده است، و به تدریج باعث تضعیف ساختار و استخوان‌بندی شهر شده و در نهایت انتظار جدایی و تکه تکه شدن آن می‌رود. از همین رو ساماندهی نظام حرکتی و ساختار فعالیت‌های شهری به طور موازی و هماهنگ، و به نحوی که مسیرهای حرکتی شهر به صورت یک کل منسجم و یکپارچه عمل نماید و ادراک شوند، کاملاً ضروری است. با توجه به اهمیت نقش عناصر و پیکره‌های ساختاری شهر در انسجام فضایی-کالبدی بافت شهری، این مقاله قصد دارد مفهوم استخوان‌بندی را با تأکید بر عناصر راه و میدان تبیین نماید و تأثیر این ویژگی را در ایجاد یک ساختار منسجم در شهر مورد نظر قرار دهد. رویکرد این پژوهش، ارائه نوعی روش‌شناسی در تحلیل استخوان‌بندی، بر پایه مطالعه و تحلیل محتوی ادبیات طراحی شهری و معماری در این زمینه می‌باشد. چارچوب مقاله بر اساس مفهوم راه و میدان شکل گرفته و به وسیله تحلیل‌های تصویری و توصیفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عرصه‌های اصلی شهری در قزوین جهت تجدید حیات اجتماعی شهری و انسجام کالبدی، در کدام نقاط واقع شدند و در راستای تقویت و کارایی بهتر آن‌ها به ارائه راهکار می‌پردازد.

واژگان کلیدی: استخوان‌بندی، احیاء، ارتباط، راه، میدان.

* مقاله برگرفته از پایان‌نامه نویسنده دوم با عنوان "نقش مفصل در سازمان فضایی شهر، نمونه مورد مطالعه: سبزه میدان قزوین"، در مقطع کارشناسی ارشد رشته طراحی شهری در دانشگاه علم و صنعت ایران به راهنمایی دکتر مهران علی‌الحسابی و مشاوره دکتر مصطفی بهزادفر می‌باشد.
** استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
*** مربی شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین

Email: alalhesabi@iust.ac.ir

Email: arch.monajabbari@gmail.com

مقدمه

ساختار شهرهای سنتی ایران دارای انسجام و نظم کالبدی-فضایی ویژه‌ای هستند که غنا و کیفیت کالبدی آنها را تضمین نموده است. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها پیوستگی مجموعه شهر و محلات از طریق کانون‌ها، گذرهای اصلی و بازار است که موجب شکل‌گیری ساختاری روشن و خوانا در شهر گردیده و پیوستگی اجزاء و عناصر شهر را نیز در پی داشته است. ترکیب و ساخت شهر در گذشته ایران به نحوی بوده که گذرهای اصلی و بازار وظیفه پیوند میان عناصر مهم شهر را بر عهده داشته‌اند. اما، از سال‌های نخستین قرن حاضر که خیابان به عنوان عنصر مسلط و تعیین‌کننده در شهر ظاهر شده، پیوستگی و انسجام شهری دستخوش تحولات جدی گردیده است. خیابان سراسر شهر را در می‌نوردد و خود را به عنوان لبه‌ای قدرتمند درون شهر مطرح می‌سازد و از ساختار یکپارچه شهرهای سنتی، تنها بافت‌های مسکونی همچون جزیره‌هایی که از شریان حیات زندگی شهری بریده شده‌اند، باقی می‌مانند. این در حالی است که فضاها و عناصر شبکه ارتباطی باید با اجزاء و پیکره‌های شهر و فعالیت‌های جاری در آن رابطه‌ای سازمان یافته و منظم برقرار نماید. زیرا نحوه شکل‌گیری فضاها و عناصر شهری در کنار راه‌ها، تحت تأثیر الگوهای رفتاری و فرهنگ مردم و اقتصاد جامعه قرار دارد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۹) و به صورت متقابل در ایجاد و تجلی گونه‌هایی خاص از روابط، تعاملات و فعالیت‌های شهری موثر می‌باشد.

روش تحقیق حاضر کیفی می‌باشد. این روش برای دست‌یابی به کیفیت‌های غنی شرایط و محیط‌های زندگی واقعی است؛ در طراحی و انجام تحقیق نیز با ایجاد امکان جرح و تعدیل در روند تحقیق، از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار است. به این ترتیب، این روش بویژه برای فهم معانی و فرآیند فعالیت‌ها و دست‌ساخته‌های مردم مناسب می‌باشد (گروت، ۱۹۹۰: ۱۳۸۶). آنچه مسلم است به منظور کاهش گسیختگی ساختار، استفاده از مفاصل پویا در پیوستگی و هماهنگی مؤثر می‌باشد (Read, 2004:3). بنابراین استخوان‌بندی هر شهر، مجموعه راه‌ها و گره‌های اصلی آن را شامل شده و ساختار کلی شهر و فعالیت‌های عمده آن را شکل می‌دهد. این شبکه دربرگیرنده مکان‌هایی است که اکثر مردم در آنها حضور می‌یابند و شبکه‌های فرعی توسط کانون‌ها و مفاصل به آن متصل می‌گردند. هدف اصلی این مقاله معرفی نقش استخوان‌بندی در شهر مورد مطالعه و ارائه راهنمایی است که تقویت ساختار شهری آنرا به دنبال دارد. بی‌تردید چنین اقداماتی انسجام ساختاری، احیاء نقش اجتماعی و تقویت زمینه‌های عملکرد و فعالیت‌های سرزنده در شهر را در پی خواهد داشت.

۱. استخوان‌بندی شهرهای سنتی و نقش راه و میدان در آن

استخوان‌بندی شهرهای قدیم به عنوان بارزترین و پیچیده‌ترین بخش از نظام کالبدی شناخته می‌شود که ساختارهای اجتماعی شهر را به همراه تضادهای درونی‌اش به نمایش می‌گذارد. پویایی در طراحی این ساختار، روابط منطقی بین اجزاء و نظامات شهری و کارکرد و فرآیند آنها را در کنار یکدیگر موجب می‌گردد. از قرن سوم هجری به بعد، به تدریج و با روی کار آمدن حکومت‌های ایرانی و محلی، فعالیت‌های اقتصادی و توسعه و عمران شهری به صورت قابل ملاحظه‌ای رونق یافت و استخوان‌بندی شهرها از این توسعه متحول شدند (حبیبی، ۱۳۷۶).

بازارهای اصلی شهرها غالباً به شکل خطی و در امتداد مهم‌ترین راه و مسیر شهری شکل گرفته‌اند. به همین سبب در بسیاری از شهرهای تاریخی ایران مهم‌ترین بخش و عنصر اصلی بافت، راسته اصلی بازار آن است. یک راسته بازار در ساده‌ترین شکل با دکان‌های واقع در دو سوی آن شکل می‌گرفت. بسیاری از بازارها به تدریج ساخته می‌شدند و توسعه می‌یافتند و به همین دلیل امتداد راسته این بازارها به پیروی از شکل طبیعی معابر، به صورت غیرمستقیم و ارگانیک بوده است. در امتداد راسته اصلی بازار اصناف گوناگونی مستقر می‌شدند و به این ترتیب گروه‌های متنوع فعالیتی در بخش‌های مختلف راسته اصلی جای می‌گرفتند. در بعضی از شهرهای بزرگ دو یا چند راسته اصلی به صورت موازی یا متقاطع پدید می‌آمد (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲؛ حبیبی، ۱۳۸۷ و توسلی، ۱۳۶۹). در کنار یا امتداد بعضی از بازارهای مهم در شهرهای بزرگ، یک میدان شهری یا ناحیه‌ای قرار گرفته بود. بازار مهم‌ترین راه و معبر شهر بود و در بیشتر موارد با یک میدان شهری ارتباط داشت. به طور مثال، بازار بزرگ اصفهان با دو گره اصلی شهر، یعنی سبزه میدان (میدان کهنه) و میدان نقش جهان مرتبط است. در کنار بخشی از بازار کرمان، میدان گنجعلی خان قرار دارد. سبزه میدان در ورودی اصلی بازار تهران جای گرفته بود که هنوز قسمتی از فضای آن باقی است. میدان خان یزد نیز از این نوع میدان‌ها است که از عناصر اصلی بازار یزد به شمار می‌آید. به این ترتیب می‌توان دور رکن اصلی در استخوان‌بندی گذشته شهرهای ایرانی را بازار (راستای اصلی شهر) و میدان شهر دانست (حبیبی، ۱۳۷۶).

۱-۱- نقش راه و دسترسی در بافت قدیم

نظام کالبدی شهرهای سنتی ایران ارتباط منسجم و یکپارچه‌ای را میان پدیده‌های مسکونی، تجاری و فضای فرهنگی-اجتماعی برقرار نموده و به نمایش می‌گذارد. هر عنصر شهری به مقتضای شرایط خود، جایگاهی ویژه دارد و به واسطه عوامل پیوند دهنده با عناصر دیگر شهر ارتباط می‌یابد. راه، با تقسیمات اصلی و فرعی خود با مرکز محلات مسکونی و سپس مرکز تجاری و اجتماعی شهر ارتباطی منطقی دارد.

۱-۱-۱- سلسله مراتب و نقش کارکردی دسترسی

محل مسکونی محل زندگی و فعالیت جمعی است. تعامل اجتماعی و رابطه محله‌ای و بین محله‌ای از طریق راه برقرار می‌شود. راه‌ها به فراخور کوچکی یا بزرگی محله‌ها و اهمیت آنها و با رعایت سلسله مراتب به صورت اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند. شبکه راه‌های اصلی ارتباط بین بازار، عناصر اصلی خدماتی شهر و محلات مسکونی را میسر ساخته (راه عمومی) و محلات مسکونی در جوار آنها قرار گرفته‌اند. در مرحله بعدی سلسله مراتب، راه‌های داخل محله مسکونی قرار دارند (راه نیمه عمومی). این شبکه‌ها در داخل بافت‌های مسکونی نقش ارتباط بین محله‌ای و عبوری و دسترسی به بخش‌های مختلف محله را ایفا می‌نمایند. بعد از راه‌های داخلی در بافت محله، شبکه راه‌های فرعی و کوچک‌تری وجود دارد که در گذرها و واحدهای همسایگی جریان یافته و به مسیرهای کوچک‌تری نیز تقسیم می‌شوند و دسترسی واحدهای مسکونی را تأمین می‌نمایند. دسته‌ای از این راه‌ها کوچه‌های فرعی و مسیرهای بن‌بست می‌باشند (راه نیمه خصوصی و خصوصی). در بافت قدیم، راه‌ها در نقش ستون فقرات شهر از بازار شروع شده و هنگامی که به محلات می‌رسند، به فراخور عملکرد فضاهای مسکونی دارای انشعابات متعددی شده و در عین تأمین دسترسی و ارتباط بین اجزاء شهر و محله، کلیت یکپارچه‌ای را در شهر به وجود می‌آورند (شبیعه، ۱۳۸۰: ۲۲۷-۲۱۳).

۱-۱-۲- کارکرد دفاعی

وجود پیچ و خم راه‌های بافت‌های سنتی در مواقع اضطراری اهمیت می‌یافت. این ویژگی معابر در عملیات تعقیب و گریز نقش بازدارنده داشت و مهاجمان را از تهاجم و تعقیب شهروندان ناتوان می‌ساخت. وجود ساباط‌ها و اختلاف در تراز کف نیز قدرت تحرک افراد سواره را محدود و آنان را در انجام عملیات تهاجمی ناکارآمد می‌نمود. وجود معابر پر پیچ و خم نیز دقت و سرعت بیگانگان در نفوذ به داخل بافت را به طور قابل ملاحظه‌ای پایین می‌آورد.

۱-۱-۳- کارکرد اقلیمی

راه‌ها با توجه به عوامل محیطی طوری طراحی می‌شدند که آسایش اقلیمی را برای افرادی که از آن عبور می‌کردند فراهم می‌ساختند. بدین ترتیب مسیر راه‌ها، جهت‌گیری و امتداد آنها، عرض و طول و شکل هندسی‌شان و ساختار و عناصر متشکله شبکه ارتباطی در پیوند و تعامل فعال با ویژگی‌های اقلیمی قرار داشتند (شبیعه، ۱۳۸۰: ۲۲۱).

۱-۱-۴- کارکرد فرهنگی-اجتماعی

وظیفه دیگر راه‌ها ایجاد انسجام و پیوند میان محیط‌های اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی است. راه‌ها عامل توسعه اقتصادی-اجتماعی‌اند و متناسب با درجه بندی که در آنها وجود دارد، عرصه‌های دارای قابلیت برای ظهور تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی پدید می‌آید. به همین دلیل، راه و خیابان در برخی موارد بیش از آنکه نقش دسترسی داشته باشد، به عنوان عناصری اجتماعی در راستای تقویت تعاملات میان مردم و بنیان‌های فرهنگی آنان ایفای نقش نموده و در راستای توسعه اقتصادی شهر مؤثر واقع می‌گردند (شبیعه، ۱۳۸۰: ۲۲۷).

۱-۱-۵- کارکرد زیباشناختی

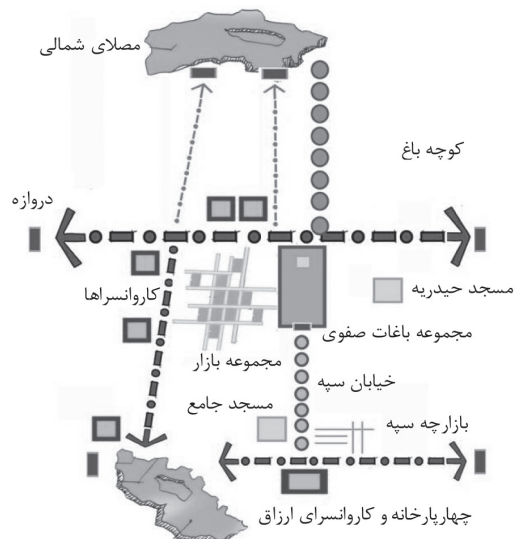
راه‌ها، با ایجاد تنوع و توازن در محیط و ایجاد جاذبه برای عابرین پیاده، به فضای کالبدی شهر غنای بصری می‌بخشند. طرح و شکل‌گیری راه‌ها با نظم و ترتیب خاصی تجلی یافته که بیان‌کننده ابعاد هنری و زیباشناختی شهری می‌باشد. راه‌ها کریدورهای دید شهری را انسجام بخشیده و غنای بصری شهر و چشم‌اندازهای آن را از کیفیت مطلوب‌تری برخوردار می‌نمایند. بدنه‌ها، جداره‌های شهری، کف‌سازی و عناصر مختلف مبلمان شهری در خیابان‌ها و معابر، ابعاد زیباشناسانه شهر را ارتقاء می‌دهند (شبیعه، ۱۳۸۰: ۲۲۸).

تمام عوامل ذکر شده در کنار هم می‌توانند، باعث یکپارچگی و هماهنگی در مکان شوند و به دنبال آن، حس مکانی را شکل داده که منتج از عمق ارتباط روانی و احساسی است که بین افراد و ادراک آنها در جریان می‌باشد (Hennenberg, 2008).

۱-۲- نقش میدان در بافت قدیم

در نظام سنتی شهرهای ایران و سلسله مراتب خاص موجود در آنها دو نوع میدان قابل دسته‌بندی می‌باشد: میداین محلی و میداین رسمی-تشریفاتی. میداین محلی در مراکز محلات واقع می‌شدند و عناصر عمومی و خدماتی محله نظیر مسجد، حسینیه، آب‌انبار، سقاخانه، حمام و سایر خدمات مورد نیاز یک محله در کنار آنها قرار می‌گرفتند. اما، میداین رسمی-تشریفاتی که در پایتخت‌ها و شهرهای بزرگ به عنوان میدان حکومتی شناخته می‌شوند، برای تمرین‌های نظامی، رژه و انجام مراسم رسمی و آیینی و احیاناً مجازات مجرمان مورد استفاده قرار می‌گرفتند. در پیرامون این میدان‌ها بناهای نظامی، حکومتی و سلطنتی قرار داشتند و در مواردی

شکل ۱: کروکی از استخوان بندی شهر قزوین به همراه مسیرها و کانون‌های شاخص آن



مأخذ: جباری، ۱۳۸۶

شهر قزوین به گونه‌ای طراحی می‌کردند که دارای کارکردهای اجتماعی و فعالیت‌های اداری و خدمات عمومی نیز باشند. پیرامون این میدان‌ها معمولاً مسجد، بازار و برخی دیگر از فضاها و خدمات شهری ساخته می‌شد. جایگاه و محل استقرار فضاهای اصلی و مهم، معمولاً در محور تقارن یا روبروی راه‌های منتهی به میدان پیش‌بینی می‌شد. این در حالی بود که فضاهای رسمی و حکومتی اغلب در محلی ساخته می‌شدند که مشرف بر تمامی یا بخش وسیعی از فضای باز میدان باشند (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲). براساس ارتباط و نقش راه و گره در استخوان بندی، کروکی از دوره صفوی در قزوین به عمل آمده که به این امر تأکید می‌کند (شکل ۱).

۲. بررسی ویژگی‌های کالبدی شهر قزوین پیش از آغاز دوران معاصر

۲-۱- استخوان بندی اصلی

ساختار اصلی شهر قزوین به صورت خطی - هسته‌ای می‌باشد که در دوره‌های مختلف تاریخی شکل گرفته و در مرکز ثقل ساختار خطی، به واسطه قرارگیری فعالیت‌ها و کاربری‌های اصلی شهر از جمله فضاهای مذهبی، تجاری و غیره، نوعی مرکزیت ساختاری - فعالیتی ایجاد شده است.

۲-۲- ویژگی عملکردی

عملکردهای اصلی و عناصر و اجزاء استخوان بندی بافت سنتی شهر قزوین به چند گروه عمده قابل تفکیک است که عملکردهای حکومتی، مذهبی، تجاری و آموزشی از اهم آنها به شمار می‌آید. در این ساختار حکومت به عنوان عامل اصلی تصمیم‌ساز، فعالیت‌های عمده را شکل داده است. به علاوه در بخشی از این ساختار، بازار شهر ارتباط بین محلات مسکونی، ابنیه مذهبی و عناصر رسمی و حکومتی را برقرار نموده است.

۲-۳- ویژگی دسترسی

دسترسی‌های اصلی شهر قزوین با اتصال به راه‌های برون‌شهری از خارج آن آغاز شده و با عبور از دروازه‌های شهر به مرکز آن می‌رسیدند و سپس با تقسیماتی سلسله‌مراتبی به شبکه فرعی‌تر تقسیم می‌شدند. نوع ارتباط عناصر اصلی و فرعی این شبکه با یکدیگر، پاسخگوی نیازهای ساختاری شهر و حائز توجه می‌باشد. به طوری که دو رکن اصلی شهر، دیوان حکومتی و مسجد جامع از طرفی با خیابان اصلی و از سوی دیگر با بازار و دسترسی‌های محله‌ای ارتباط تنگاتنگ یافته‌اند. در سلسله مراتب دسترسی در بافت سنتی، دروازه در ابتدای مسیر اصلی قرار داشته و به مرکز شهر (ارگ حکومتی و بازار) ختم می‌گردید و از لحاظ مکان استقرار، در لبه خارجی محدوده شهر یعنی در حصار آن جای داشت (شکل ۲).

شکل ۲: سلسله مراتب دسترسی و محله بندی بافت قدیم قزوین بر اساس نقشه ۱۹۱۹ میلادی

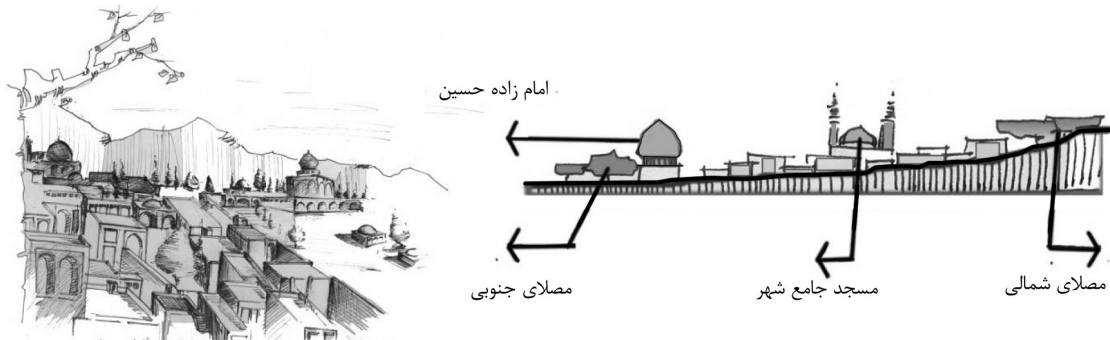


مأخذ: جباری، ۱۳۸۶: ۴۱

۲-۴- ویژگی بصری

از منظر مؤلفه‌های بصری و به لحاظ چشم‌انداز، شهر قزوین در موقعیت مناسبی قرار گرفته است. شیب ملایم شهر از شمال به سمت جنوب سبب شده مسجد جامع و امام زاده حسین به عنوان نشانه‌های قوی در خط آسمان شهر نمایان شوند. انتهای این منظر به باغات جنوبی و غربی ختم می‌گردد که ارتباطی قوی میان شهر با طبیعت پیرامون خود را پدید آورده و منظر طبیعی شهر را نیز غنا می‌بخشد (شکل ۳).

شکل ۳: کروکی از مقطع شمالی- جنوبی شهر و منظر سه بعدی آن



مأخذ: جباری، ۱۳۸۶: ۳۶

جدول ۱ به مقایسه تطبیقی بین دوران قبل و بعد از معاصر که تحولات چشم‌گیری در کالبد شهر و بر روی ابعاد مختلف آن گذاشته می‌پردازد.

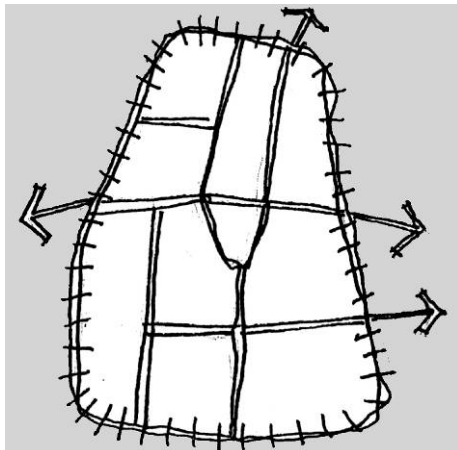
جدول ۱: مقایسه تطبیقی ویژگی کالبدی در شهر قزوین

ردیف	عنوان	قبل از معاصر	بعد از معاصر
۱	استخوان بندی	خطی-هسته‌ای	هسته‌ای-پراکنده
۲	عملکرد	سازمان یافته	آشفته‌گی
۳	دسترسی	سلسله مراتب	عدم رعایت سلسله مراتب
۴	بصری	پیوستگی و یکپارچگی	عدم پیوستگی و یکپارچگی

۳. شکل‌گیری خیابان و میدان اصلی شهر قزوین

شهر قزوین و عناصر متشکله آن در گذشته به عنوان سامانه‌ای کامل، مصداقی از استخوان بندی معنادار شهری بود که موجودیت پویا و بالنده شهر را به همراه جنبه‌های حیات مدنی به نمایش می‌گذاشت. لیکن از سال ۱۳۰۰ به بعد و به منظور تأمین عبور و مرور سواره، بافت تاریخی قزوین در کنار توسعه عناصر و محلات جدید شهری دگرگون شده است. بافت تاریخی که به طور نسبی تأسیسات و خدمات شهری هماهنگ با نیازهای ساکنین در آن وجود داشت و از رشدی موزون و تدریجی، متناسب با تحولات زمانه خود برخوردار بوده است، با تغییر نیازهای عملکردی-فضایی، رشد جمعیت و توسعه بی‌رویه پیکره شهر، به سرعت دستخوش تغییرات اساسی ساختاری-کالبدی گردیده و بافت جدید شهری در حاشیه و بیرون آن، سازمان فضایی شهر را دگرگون کرد و نظامی جدید و ناهماهنگ را بر کل شهر و بافت قدیمی آن تحمیل نمود (جباری، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

شکل ۴: کروکی از ساختار جدید شهر پس از خیابان‌کشی‌های جدید

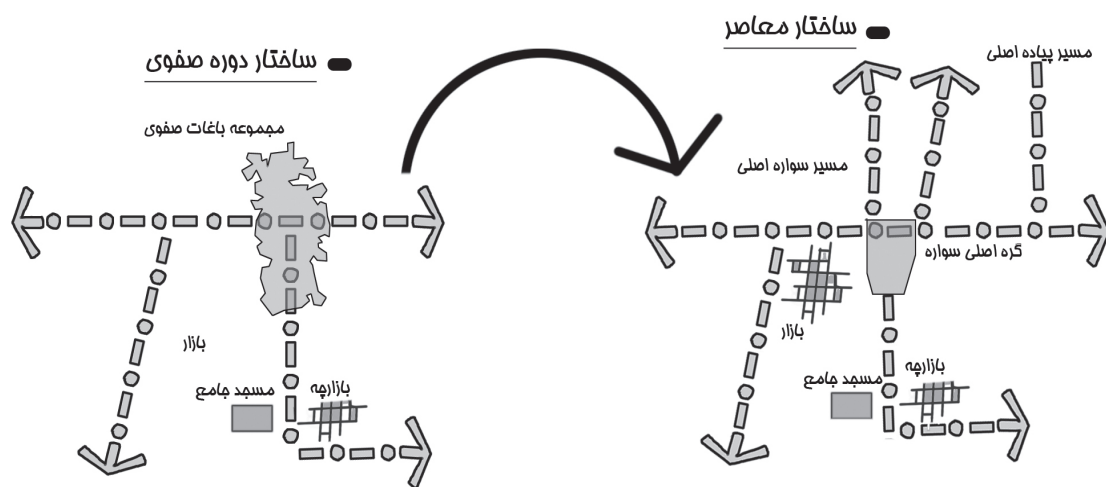


به عنوان نخستین اقدامات نوگرایانه، احداث دو خیابان متقاطع که مرکز آن سبزه میدان قزوین بود، در دستور کار قرار گرفت و سپس با روندی سریع خیابان‌های شطرنجی و منظم در میان بافت قدیم و ارگانیک قزوین نفوذ یافته و بافت منسجم موجود آن را به بخش‌هایی بدون معنا و بی‌هویت تقسیم نمود. در روند توسعه تدریجی و تاریخی شهر، هسته اصلی بافت و کانون‌های اصلی آن عامل تعیین‌کننده در گسترش شهر بود و به همین جهت نوعی پیوستگی نسبی میان بافت قدیم و میانی وجود داشت که این پیوستگی در دوره‌های بعدی شکل‌گیری شهر به تدریج کم‌رنگ‌تر شد. ادامه این روند موجب گردید تا از دهه پنجاه به بعد با افزایش جمعیت و مهاجرت بی‌رویه که رشد ناموزون شهر را نیز به همراه داشت، قزوین و مرکز تاریخی آن دچار گسیختگی کالبدی و اغتشاش فضایی-عملکردی گردد و استخوان بندی خوانا و پاسخگوی شهر، با غلبه ساختارهای جدید در انزوا قرار گیرد (شکل ۴) (جباری، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

۴. نارسایی‌های استخوان بندی موجود شهر قزوین

قزوین در گذشته دارای ساختاری هسته‌ای خطی بوده که در استخوان بندی آن گره‌هایی چون بازار، مسجد جامع و مجموعه باغات صفوی، به عنوان مفصل‌هایی برای تبدیل و اتصال فعالیت‌های شهری در مقیاس‌های مختلف عمل می‌کردند. با آغاز شهرسازی مدرن، تغییر عملکردها و اهمیت یافتن حرکت سواره به جای پیاده در شهر، ساختار شهری نیز از این الگو متأثر شده و دچار تغییرات اساسی گردید. به طوری که سلطه ماشین موجب از میان رفتن مقیاس انسانی و تنزل بسیاری از کیفیت‌های فضایی و بصری در شهر شده است. فعالیت‌های تجاری جدید در خیابان خیام در یک راستای شمالی-جنوبی شکل گرفت و به مرور زمان نقش بازار سنتی را کم‌رنگ کرده و به خود معطوف نمود. سبزه میدان که کانون فعالیت‌ها و گره اصلی اجتماعی-فرهنگی شهر بود، به گره اصلی ترافیکی در سطح شهر مبدل شد و دیگر به عنوان مفصل فعالیت‌ها، نقش بارزی نداشت و به همین دلیل اهمیت تاریخی آن نیز به شدت تضعیف گردید. این میدان پراهمیت شهری در حال حاضر نقشی محدود یافته و تنها عرصه کوچکی از فضاهای اطراف خود را تحت پوشش قرار می‌دهد (شکل ۵).

شکل ۵: تغییر استخوان بندی قزوین قبل و بعد از خیابان کشی مدرن

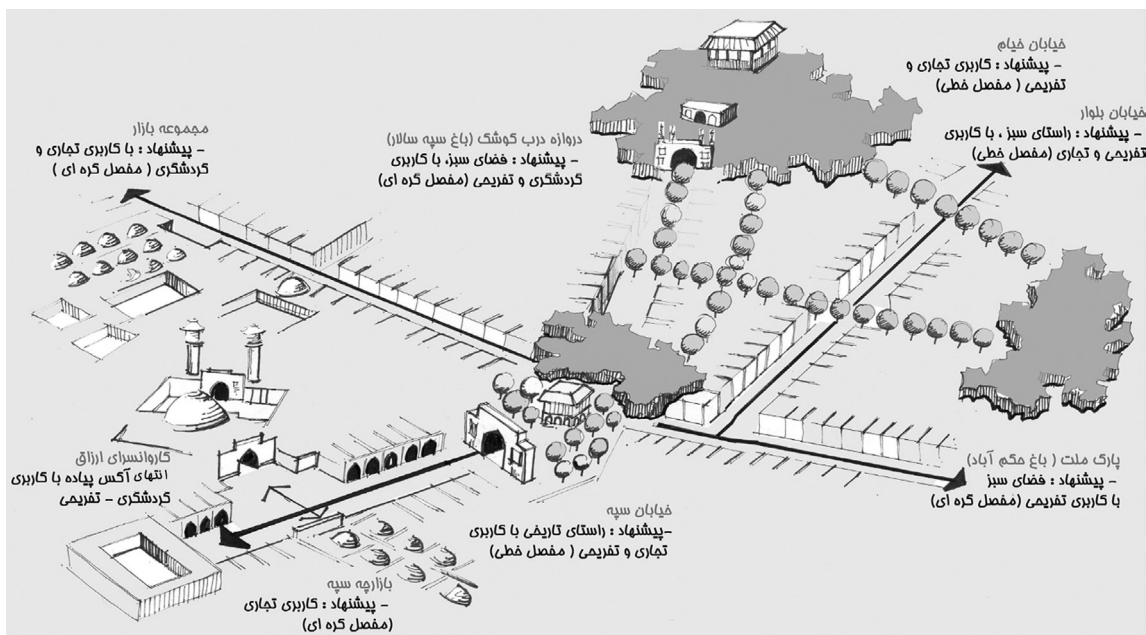
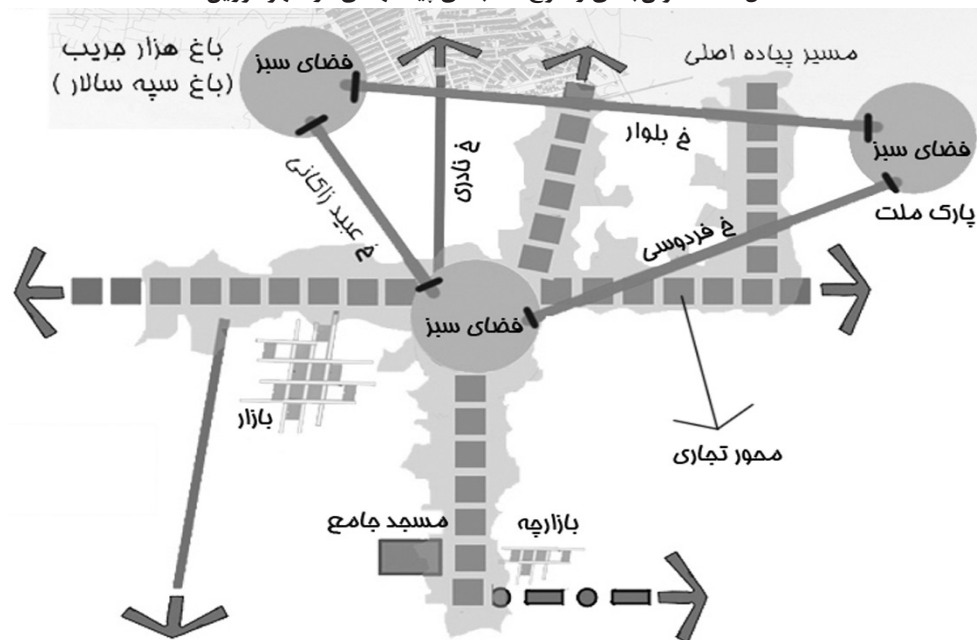


مأخذ: جباری، ۱۳۸۷: ۱۱۶

این دخالت‌های نابجا سبب شده تا ساختار یکپارچه شهر قزوین و انسجام کالبدی-فضایی آن دچار اغتشاش گردد و فعالیت‌های شهری به طور پراکنده و بدون توجه به لزوم تعامل و ارتباط متقابل اندام‌های شهری و کارکردهای آنها، در مرکز شهر ادامه حیات دهند. دلیل اصلی این امر را می‌توان در عدم کارایی مفاصل شهری جستجو نمود که نقش فعال خود را از دست داده و دیگر به عنوان مبدل فعالیت و سازنده ساختار فضایی شهر عمل نمی‌نمایند.

امروزه دیدگاه نگهداری طبیعی و بومی، به این مسأله اشاره دارد که با نگهداری و تقویت ساختار بومی می‌توان ظرفیت‌های اجتماعی مکان را ساخت (Plut et al., 2008). پیوستگی مکان یکی از منظرهای انسجام اجتماعی است که تدقیق این موضوع در ارتباط بین معنی مکان با تخصیص مناطق سبز جلوه‌گر می‌شود (Peters et al., 2010). تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد برای ارتباط میان ساختار قدیم و جدید شهری، انسجام کالبدی بافت و ترمیم استخوان بندی شهر، وجود کانون‌های معنادار و مفاصل قوی ضروری است. در شهر قزوین و مرکز تاریخی آن سه مفصل شهری می‌تواند مورد توجه ویژه قرار گیرد و با تغییر نقش و توجه ویژه به آنها، اصلاح ساختار عملکردی-فضایی شهر تسهیل گردد. نخستین مفصل که ساختاری خطی دارد، محور خیابان امام و طالقانی است که با تقویت فعالیت‌های تجاری در آن، کانون‌های اصلی فعالیت‌ها به یکدیگر وصل می‌شوند. دومین مفصل، سبزه میدان است که به عنوان فضایی مبدل با عملکردهای تفریحی و اوقات فراغت، خلأ میان کانون‌های متفرق شهری را پر نموده و رأس مثلث تفریحی که در دو قطب آن، پارک ملت (در شمال غربی) و باغ هزار جریب (در شمال شرقی) قرار دارند، را تقویت می‌نماید. سومین مفصل قابل تقویت کانون بافت قدیم در مجاورت مسجد جامع و فضاهای تجاری اطراف آن است که به واسطه فضاهای تجاری، ارتباط مناسبی با سبزه میدان یافته و تنوع فعالیت‌ها و فضایی شهر را تقویت می‌نماید و بدین وسیله نقشی اساسی در انسجام ساختار کالبدی شهر ایفا می‌کند. این سه گره شهری از طریق مفصل‌های خطی چون خیابان‌های بلوار، عبید زاکانی و فردوسی به هم متصل شده و ساختار مرکز شهر قزوین را پیوسته، منسجم و قوی‌تر خواهد نمود (شکل ۶).

شکل ۶: استخوان بندی و طرح سه بعدی پیشنهادی در شهر قزوین



۵. جمع بندی

راه ها و گره ها از اجزاء اصلی و زیربنایی ترین عناصر در ساختار کالبدی یک شهر هستند. می توان با شناسایی راه و گره و نیز تعیین نقش آن ها در فضا و اتصال عملکرد آن ها با هم، جهت پویایی و احیاء استخوان بندی شهرهای سنتی اقدام نمود. این راهکار با تعریف نقش چند وجهی به آن ها تقویت شده و انتظار شکل گیری استخوان بندی جدید در شهر می رود. با چنین رویکردی به تغییر ساختار شهر و تقویت مفصل های شهری که تاریخ و گذشته را به حال و آینده و فعالیت های متنوع را به یکدیگر و شهروندان را به حیات مدنی پیوند می دهد، کیفیت مکان ها و فضاهای شهری ارتقاء یافته و غنای کالبدی، فضایی و عملکردی به آن ها باز می گردد.

منابع

- توسلی، محمود (۱۳۶۹): "اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی"، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی.
- جباری، منا (تابستان ۱۳۸۷): "نقش مفصل در سازمان فضایی شهر، نمونه مورد مطالعه: سبزه میدان قزوین"، استاد راهنما دکتر مهران علی‌الحسابی، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- جباری، منا (تابستان ۱۳۸۶): "پروژه مطالعاتی مستندسازی عناصر شهری در ارتباط با استخوان‌بندی شهر قزوین"، قزوین، سازمان میراث فرهنگی استان قزوین.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۷): "از شار تا شهر"، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حبیبی، محسن (۱۳۷۶): "استخوان‌بندی شهر تهران"، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید (۱۳۸۶): "روش‌های تحقیق در معماری"، ترجمه علیرضا عینی‌فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۷۲): "فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران"، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران.
- شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰): "با شهر و منطقه در ایران"، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- Hennenberg, K.J. & Orthmann, B. & Steinke, I. & Porembski, S. (2008) "**Core Area Analysis at Semi-Deciduous Forest Islands in the Comoe National Park**", NE Ivory Coast. Biodiversity And Conservation 17: 2787-2797.
- Read, Stephen. (2004) "**Thick' Urban Space: Shape, Scale and the Articulation of 'the Urban' In an Inner-City Neighborhood of Amsterdam**", Research Laboratory For The Contemporary City, Www. Spacelab.Tudelft.Nl.
- Peters, K. & Elands, B. & Buijs, A. (2010) "**Social Interactions in Urban Parks: Stimulating Social Cohesion?**", Urban Forestry and Urban Greening 9: 93-100.

سایت اینترنت

- http://www.ff.uni-lj.si/oddelki/geo/publikacije/priloznostno/CRP_zavarovana_plut_08.Pdf, Plut, D. & Cigale, D.&Lampič, B.&Mrak, I. (2008) "**Trajnostni Razvoj Varovanih Območij-Celostni Pristop in Aktivna Vloga**", DržZave (Sustainable Development Of Protected Areas-Holistic Attitude And Active Role Of A State). Research Project, November 2010.